

دانش پژوهی

خلاقیات در فضا‌های بالینی

همسانی و همزمانی تفکر پژوهشی، تشخیصی و درمانی

محمد مهدی خدیوی زند^۱

درآمد:

استاد دانشمند دکتر علی شریعتمداری در شماره سوم سال سوم نامه فرهنگستان علوم مقاله‌ای با عنوان: ((تفکر، تفکر انتقادی و تفکر خلاق)) نوشته‌اند. چکیده آن چنین است:
(... تفکر به عنوان ویژگی اساسی انسان مطرح شده است. فرآیند تفکر، همان فرآیند تحقیق یا حل مساله است و از یک نظر، محور اساسی تعلیم و تربیت محسوب می‌شود).
(برخی از روانشناسان و مربیان تفکر عادی را از تفکر انتقادی و فکر خلاق جدا می‌دانند. از نظر این دسته، این سه فرآیند سه نوع تفکر را تشکیل می‌دهند، اما این سه نوع تفکر، یک فرآیند تلقی می‌شود به سخن دیگر، در فرآیند تفکر، انتقاد و خلاقیت نیز دخیل هستند).
(مشابهت‌های اساسی میان تعریف هر یک از این سه فرآیند، یکسان بودن آنها را آشکار می‌سازد. افزون بر این ویژگی‌هایی که در مورد تفکر انتقادی مطرح می‌شود، در فرآیند تفکر نیز مورد نظر اندیشمندان است).

یکسان و همانند دیدن فرآیندهای یاد شده نظر استاد را به دیدگاهی که در ((همسانی و همزمانی فرآیندهای پژوهش، تشخیص و درمان در فضا‌های بالینی)) داریم نزدیک می‌سازد.
نخست نظرگاه‌هایی را که استاد مستند قرار داده است بازنویسی می‌کنیم و چهار مفهوم تفکر، تفکر انتقادی، خلاقیت و تحقیق را، آنطور که ایشان یکسان دیده‌اند نقل می‌نماییم. سپس پرسش‌هایی را، که قابل تامل است، مطرح و نظریه مجتمع‌های روان فضای پویا را که نظریه سال‌های اخیر است پیشنهاد می‌کنیم و می‌کوشیم تا برای برخی از پرسش‌ها پاسخیابی کنیم و این همه را با تکیه بر مفهوم خلاقیت

^۱ دکتر محمد مهدی خدیوی زند - روان‌درمان - روانکاو، دکتر دتا^۲ در روانشناسی بالینی از دانشگاه پاریس

در فضاهاى بالینی در موردها و هنگامه‌هاى متعدد نشان می‌دهیم و ((همزمانی و یکسانی تفکر پژوهشی، تفکر تشخیصی و تفکر درمانی)) را به اثبات می‌رسانیم.

کلمات کلید: تفکر، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تحقیق، خلاقیت، مجتمع روان فضای بالینی، هنگامه‌هاى بالینی، موقعیت و وضعیت بالینی، درمان، تشخیص.

CREATIVITY IN CLINICAL SPACES

M.M. Khadivi zand

ABSTRACT:

This assay has set According to professor Ali Shariatmadari's ideas about ((Thinking, Critical thinking and Creative thinking)) hich is published in an essay in an academy of science's issue.

We discuss these four concepts, thinking, creativity and investigation as he consider them the same.

We ask questions on which one can think and offer recent theory of((Context psycho – space dynamique)), also try to answer some of these questions. These will be done according to concepts of creativity in clinical spaces in several cases and instances. We also prove ((Synchronicity and similarity of investigating thinking, diagnostic thinking and thinking therapy)).

Keywords: *Investigating thinking, Diagnostic thinking, Thinking therapy, Context psycho-space dynamic, Clinical instance, Clinical state.*

تفکر

در میان صاحب نظرانی که نامشان در مقاله آمده است، نام آورترین آنها "جان دویی" است. دویی در کتاب «چگونه زندگی می‌کنیم» تفکر را این گونه تعریف کرده است: ملاحظه فعال مداوم و دقیق هر عقیده یا صورت فرضی نظریه‌ای که با توجه به دلایلی که آنرا تایید می‌کنند و نتایج دیگری که این عقیده متوجه آنها یا متمایل به آنها است، چه در تفکر عادی، چه در زمینه اجتماعی و چه در برخورد با مسائل شخصی، فرد متفکر در برخورد با موقعیت نامعلوم در طرح مساله و در جمع‌آوری اطلاعات باید امکانات، شرایط خارجی، هماهنگی‌های مفاهیم و اصول و قواعد را در هر نظریه و راه حل در نظر بگیرد.

مراحل فرآیند تفکر از نظر دویی عبارت است:

۱ - پیدایش یک مساله

۲ - تعریف مساله

۳- پیدایش یک تبیین یا راه حل احتمالی پیشنهاد شده

۴- بیان تفصیلی یک اندیشه

جان دوپی ضمن تشریح مراحل تفکر، انتقادی و همچنین از طرح فرضیه‌های مختلف که متضمن نوآوری و خلاقیت است بحث می‌کند. رعایت توصیه‌ها و مراحل مذکور جدا بودن تفکر را از انتقادی و تفکر خلاق اثبات نمی‌کند.

تفکر انتقادی

انیس^۱ در کتاب ابعاد تفکر گرایش‌ها و توان‌های تفکر انتقادی را در پنج مقوله و یازده مرحله بررسی می‌کند.

۱- تمرکز روی مساله یا سوال

۲- توضیح اولیه: تحلیل مباحث

۳- مورد سوال و یا پاسخ قرار دادن توضیح و طرح سوال‌های مورد بحث

۴- حمایت اساسی: قضاوت درباره اعتبار منبع یا مآخذ: معیارهایی که غالباً ضروری تلقی

نمی‌شوند

۵- قضاوت کردن و ارزیابی گزارش‌های مشاهده

۶- قیاس کردن و ارزیابی استقراءها

۷- استقراء کردن و ارزیابی استقراءها: استنتاج

۸- طرح و ارزیابی قضاوت‌های ارزشی

توضیح پیشرفته: ۹- تعریف واژه‌ها و ارزیابی تعریف‌ها

تعریف‌ها: ۱۰- مشخص کردن پیش فرض‌ها

۱۱- تعامل با دیگران

مطالعه گرایش‌ها و توان‌ها نشان می‌دهد که این گونه فرآیندها در تفکر عادی نیز مطرح هستند و بررسی‌های جان‌دویی از تفکر این امر را مدلل می‌سازد و توصیه‌های انیس در مورد پرورش تفکر انتقادی و تفکر خلاق موید این نظر است:

مراحل پرورش تفکر انتقادی و تفکر خلاق

- ۱- برای شاگردان به منظور بررسی نقطه نظرها در یک محیط مساعد فرصت بوجود آورید.
- ۲- دلایل آنچه را آنها مطرح می‌سازند، بررسی و طرح کنید.
- ۳- کوشش کنید از نکته اساسی یا مورد نزاع در یک بحث خارج نشوید.
- ۴- ذهن خود را باز نگذارید، شاگردان را به پیروی از تفکر خردسالان تشویق کنید تا فقط به تکرار آنچه معلم می‌گوید بسنده نکنند.
- ۵- موضع شاگردان را زمانی که وضعیت اجازه می‌دهد، تغییر دهید و خواهان اعتراف به اشتباه باشد.
- ۶- نسبت به احساسات دیگران، سطح دانش و درجه دقت آنها حساس باشید.
- ۷- برای تحقق هدف از خود علاقه شدید و آمادگی نشان دهید.
- ۸- درصدد طرح راه‌حل‌های تخیلی و مناسب برآیید.

تحقیق

جان‌دویی در کتاب منطق - تئوری تحقیق می‌گوید: «تحقیق عبارت است از تغییر تحت کنترل و هدایت شده یک موقعیت غیر ثابت یا نامعین به موقعیتی که از لحاظ مشخصات و روابط کاملاً معین و ثابت است و در وضعی قرار دارد که عناصر موقعیت اصلی یا اولی به صورت یک کل متحد تغییر یافته‌اند».

در فرایند تحقیق که از یک لحاظ همان فرآیند تفکر است، فرد به موقعیتی نامعلوم، ابهام‌آمیز و مشکل‌برمی‌خورد و ضمن تحلیل این موقعیت به طرح مساله و یا مسائلی می‌پردازد و با جمع‌آوری اطلاعات لازم از منابع مختلف، به تدوین فرضیه و یا فرضیه‌هایی اقدام می‌کند و در برخی از مراحل تحقیق، زمینه ابتکار، نوآوری یا خلاقیت فراهم می‌شود و سرانجام با بررسی فرضیه‌ها و انتخاب فرضیه‌ای که بتواند موقعیت نامعلوم را به صورت معلوم و روشن درآورد، تحقیق به مرحله موقتاً پایانی می‌رسد.

تحقیق علمی، همانطور که جان دویی مطرح کرده است و از تحلیل کار تحقیقی نیز بر می‌آید، تلاشی است که دانشمند در هر رشته برای حل مساله انجام می‌دهد. آنچه ستاره‌شناس انجام می‌دهد با آنچه فیزیک‌دان یا زیست‌شناس یا جامعه‌شناس انجام می‌دهد بطور کلی، تابع یک سلسله اصول یا مراحل است. برای هریک از اندیشمندان، برخورد با موقعیت مبهم، موقعیت نامعلوم، موقعیتی که مساله‌دار است یا پرسش‌های اساسی را مطرح می‌سازد، آغاز تحقیق است.

تفکر خلاق

تعاریف متعددی درباره خلاقیت از زبان اندیشمندان نقل شده است:

«... مولف کتاب هنر و علم خلاقیت ضمن معرفی خلاقیت، از دو نوع تفکر سخن می‌گوید: برای شناخت خلاقیت می‌توانیم آن را با هوش مقایسه کنیم: فکر خلاق، فکری نوآور، جستجوگر و ماجراجو است. فکر خلاق رها از فرمان امور معمولی و متعارف، مجذوب ناشناخته‌ها و مجهول‌ها می‌شود و خطر پذیری و تردید، آن را بر می‌انگیزد. از طرف دیگر، فکر محتاط، فکری محافظه‌کار و مبتنی بر روش است. گیلفورد این دو طرز تفکر را هم‌گرا و واگرا می‌نامد.

نوآوری، جستجوگری، فراسوی وضع موجود گام برداشتن، به دنبال امر ناشناخته یا مجهول بودن، در فرآیند تفکر مطرح است و بر این پایه نمی‌توان تفکر خلاق را از تفکر غیر خلاق جدا کرد ...

... مولفان کتاب تفکر منطقی - روش تعلیم و تربیت خلاقیت را به این صورت شرح می‌دهند: «تفکر صورت‌های مختلف خلق می‌کند ... در سیر تصورات، فرد ممکن است موقعیتی را به یاد آورد که در آن، امور مطابق دلخواه او نبوده‌اند و احتمال دارد از خود بپرسد: چه کار دیگر یا چه کارهای گوناگونی می‌بایست انجام می‌دادم؟!»

به محض آغاز تلاش برای پاسخ دادن به این سوال، نیروی تخیل پیشنهادهای گوناگونی مطرح می‌کند. تخیل یا در واقع، استعداد تجسم امور غیر محسوس، هیچ گاه تصویر اشیاء - چه اشیاء واقعی و چه اشیاء خیالی - را همان طور که ظاهر شده‌اند دوباره خلق نمی‌کند. وقتی که قوه تخیل فعال است، عناصر واقعیت را به صورت‌های مختلف در می‌آورد و دوباره شکل

می‌دهد. وقتی که فرد از میان این صورت‌ها، یک یا چند صورت را انتخاب و بر طبق آن عمل می‌کند، در واقع، واقعیت را تغییر داده است ...

«از عنوانی که مولفان کتاب مطرح می‌کنند به طور صریح این نکته روشن می‌شود که در فرآیند تفکر، یک صورت تعیین که از پیش معلوم بوده است مطرح نیست. بلکه نیروی تخیل فرد در برخورد با یک موقعیت یا مساله، صورت‌های گوناگون ابداع می‌کند و همین امر، خلاقیت را در فرآیند تفکر نشان می‌دهد.»

مولفان کتاب ابعاد تفکر ویژگی‌هایی را در خلاقیت مطرح می‌سازند: خلاقیت استعداد رفتن به فراسوی طرحی است که بطور عادی برای برخورد با یک مساله بکار می‌رود و بازسازی مساله است به این امید که در جهتی متفاوت ظاهر می‌گردد. بطور کلی، شخص خلاق می‌تواند مساله‌ای را از یک نقطه نظر یا طرح بررسی کند و بعد آگاهانه توجه خود را به سوی نقطه نظری دیگر معطوف دارد؛ در حالی که بطور کامل یک دیدگاه تازه را مطرح می‌سازد. این فرآیند تا زمانی که شخص، مساله را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کند ادامه می‌یابد.

پرسش‌ها؟

با نگرش به آنچه نقل کردیم پرسش‌هایی چند مطرح می‌شود:

- آیا محتوی و فرم مقاله استاد جریان متمایزی از تفکر را نشان می‌دهد؟
- آیا در مجموعه مقاله تحقیقی انجام گرفته است و یا انتقادی صورت پذیرفته است؟
- آیا در محتوی و فرم مقاله خلاقیت وجود داشته و نظام تازه‌ای از تفکر خلق شده است؟
- آیا آن مقاله خود نماینده بارزی از یکسان بودن تفکر، تفکر انتقادی و تفکر خلاق است؟
- ویژگی‌ها و مراحل نظام تفکری خلق شده در مقاله چگونه است؟
- اگر مقاله یک تحقیق است و تحقیق برخورد با یک موقعیت نامعلوم است با کدام موقعیت نامعلوم، ابهام آمیز و مشکل روبرو شده‌ایم؟
- نشانه‌های بارز این موقعیت چه بوده است؟
- با چه ابزارها و معیارهایی به تحلیل و شناخت موقعیت نامعلوم پرداخته‌ایم؟
- چه مساله یا مسائلی را طرح کرده است؟ یا چه فرضیه یا فرضیه‌هایی را تدوین نموده است؟ چه فرآیندها و یا نظام فکری را خلق کرده است؟
- علاوه بر این برای هر یک از مفاهیم پذیرفته شده پرسش‌های ویژه‌ای مطرح می‌شود:

مثلاً در مفهوم تحقیق که بیش از هر مفهوم دیگری یکسانی تفکر، تفکر انتقادی و تفکر خلاق را نمایان می‌سازد می‌توان پرسید:

- آیا کل فرآیند تحقیق خلاقیت است یا بخشی از آن؟

- آیا تدوین ((فرضیه)) و ((طرح مساله)) دو مرحله و یا دو مفهوم متفاوت است؟

- آیا هر مساله بیانی از مساله در موضع خبرگزاری نیست؟

- آیا تحقیق می‌تواند مراحل از پیش ساخته داشته باشد؟ یا از همان گام نخست یک خلق است؟

اگر تحقیق مراحل از پیش ساخته دارد (مانند نظام دیویی) در این صورت چه چیز خلق است؟ آیا خلاقیت فرآیندی مرحله‌بندی شده است؟ پس چه چیز نوآوری است؟

- منظور از مرحله در جریان تحقیق چیست؟ چه ویژگی‌هایی یک مرحله را از مرحله دیگر جدا می‌کند؟ آیا هر تحقیق در جریان تحقیق راه خود را و مراحل عملیات خود را نمی‌آفریند؟

- کنترل و هدایت در تحقیق چه فرآیندی است، آیا فرآیندها و معیارهای آنها خود در جریان تحقیق خلق نمی‌شوند؟ آیا این فرآیندها با فرآیند تحقیق یکسانی ندارند؟

- آیا تبدیل یک موقعیت غیرثابت و نامعین به موقعیتی معین و ثابت، باز ایستادن از خلاقیت نیست؟

- آیا تبدیل عناصر پراکنده یک موقعیت به یک کل متحد نهایت و سرانجام تحقیق است؟ آیا این کل متحد منجمد و ناپویا نیست؟

- آیا موقعیتی که تحقیق در آن صورت می‌گیرد، خود مخلوق جریان تحقیق نیست؟ آیا معنی و جهت موقعیت‌های تحقیق با موضع‌گیری‌های محقق هر آن دگرگون نمی‌گردد، نوآوری و خلق نمی‌شود؟

در این مختصر می‌کوشیم تا پاسخ‌هایی را که با تکیه به نظریه مجتمع‌های روان فضای پویا داریم بازگو کنیم.

تامل ۱۱۹

میان صاحب نظرانی که بیش از همه به آنها اشاره شده است جان دویی است. در نظر دویی یکسانی فرآیندهایی چند مشهود است: برای او مراحل حل مساله با مراحل تحقیق، مراحل تفکر، مراحل یادگیری و پیدایش تفکر خلاق و تفکر انتقادی یکسانی دارد. به عبارت دیگر اگر پرسش‌های یاد شده را به نظام اندیشه‌های دویی عرضه کنیم، پاسخ‌هایی روشن می‌یابیم:

آنچه دویی «خلق کرده» همان نظام حل مساله است که طی پنج مرحله در صفحات قبل یاد کردیم و در قالب فرم و محتوی چنین فرآیندی است که تفکر، تحقیق، انتقاد و یادگیری جریان می‌یابد. با معیارهای این نظام است که می‌توان نظام‌های دیگر را نقد کرد: به عبارت دیگر هنگامی که به روش جان دویی به تحقیق می‌پردازیم در واقع، جریان تفکر خلاق و انتقادی را پی‌گیر می‌شویم، مراحل حل مساله را طی می‌کنیم، فرآیندی انتقادی و خلاق را از تفکر می‌سازیم. اگر اندیشه دویی را از مبانی اندیشه استاد شریعتمداری در نگارش مقاله بدانیم، پرسشی اساسی مطرح است که آیا استاد در نمایش یکسانی فرآیند تفکر، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تحقیق موفق بوده است؟ و آیا فرم و محتوی مقاله ایشان را می‌توان تجسمی از چنین یکسانی و با همی به شمار آورد؟!

نظام اندیشه دویی در قالب مراحل حل مساله، با توجه به نگرشی که او در تعلیم و تربیت و فلسفه دارد، دارای فرآیندهای بنیادی دیگری است که اصالت افکار او را به عنوان یک فیلسوف و یک عالم تعلیم و تربیت نشان می‌دهد. عمده‌ترین آنها فرآیندهای «یادگیری»، «آزادی» و «آگاهی» است. مراحل حل مساله به گونه‌ای است که به عنوان مراحل یادگیری و آموزش و پرورش فعال نظامی برای دموکراسی و تعلیم و تربیت است: حرکت از یک مرحله به مرحله دیگر موجب افزایش، گسترش و ژرفای «آگاهی» می‌شود و همزمان تجسمی از مجموعه تلاش‌ها و کوشش‌های «آزادانه» است. به عبارت دیگر در اندیشه دویی دانش آموزی که در جریان مراحل حل مساله آموزش می‌بیند و پرورش می‌یابد، فردی آگاه، آزاد و آماده برای زندگی در یک جامعه دموکراسی است این آمادگی‌ها را در سایه نظام یادگیری حل مساله متکی بر مراکز رغبت و نیازهای خود دارا شده است. هر جریان یادگیری، جریان حل مساله، تحقیق انتقاد و خلاقیت است. جریانی است که در آن آزادی و آگاهی تولد می‌یابند، رشد می‌کنند، گسترش و ژرفا پیدا می‌کنند و هر آن زمینه‌ها و ابعاد تازه‌ای می‌یابند و در چنین

تکاپویی است که خلاقیت و تحقیق مجتمع‌های روان فضای پویایی را می‌سازند و در هنگامه‌هایی که می‌آفرینند باز آفریده می‌شوند.

استاد در نقل نظریه‌ها و نظام‌های فکری به یکسانی فرآیندهای در حالت انتزاعی توجه داشته است. در حالی که تفکرات دویی در موقعیت‌های عینی و ملموس زندگی فردی و اجتماعی خلق می‌شوند و خلق می‌کنند. بهتر بود که هم به روش خود او مورد یا موقعیتی را مثال می‌زدیم و یکسانی فرآیند تفکر، انتقاد، تحقیق و خلاقیت را نشان می‌دادیم مثلاً در روش کار یک معلم، و بهتر بود که این مورد یا موقعیت، مورد و موقعیتی بود که استاد خود تجربه اختصاصی کرده است.

در موقعیت‌ها و مورد‌های واقعی علاوه بر فرآیندهای یاد شده عوامل دیگری نقش دارند از آن جمله است، شخص متفکر (محقق، هنرمند و یا منتقد)، موضوع، هدف، جهت، شرایط ... و فضاها ... همه اینها، با زمینه‌هایی که در حال، گذشته و آینده دور و نزدیک دارند مورد توجه قرار می‌گیرند. بالاتر از آن وضعیتی است که هر یک از اینها با تک تک شرایط و با کل موقعیت دارند. در این حال موقعیت یک «مجتمع»^۱ است. مجتمعی روان فضایی و پویا.

با چنین نگرشی مقاله استاد شریعتمداری یک مورد واقعی است که پیش رو داریم. شخص ایشان، موضوع، اهداف، جهت‌ها و گذشته‌های دور و نزدیکی که محتوی مقاله و منابع آن دارند، موضع‌گیری‌هایی که نسبت به هر جزء از محتوی (کلمات، تعاریف، مفاهیم، دانشمندان، نظام‌های فکری، انتقادی و خلاق ...) می‌شود و نسبت به کل آنها گرفته شده است، ابعاد و زمینه‌های بیشماری را می‌گشاید و مقاله را از یک موقعیت ثابت و ناپویا به مجتمعی روان فضا و پویا مبدل می‌سازد.

فضاهای بالینی

فضاهای بالینی از رویارویی یک انسان با انسانی دیگر و یا یک چیز خلق می‌شوند. بزرگترین واحد آن را «مجتمع‌های روان فضای پویا» و کوچکترین را «هنگامه بالینی» می‌نامیم. هر «هنگامه» کوچکترین مخلوق و هسته اولیه مجتمع‌ها است. یک کلاس درس و یا یک نشست گروه درمانی را در نظر بگیرید. وقتی معلمی وارد کلاس می‌شود و یا درمانگری در جمع درمانجویان گروه درمانی قرار می‌گیرد در ارتباط با هر یک از شاگردان و درمانجویان

^۱ Context

فضاهای کوچک و بزرگی را بوجود می‌آورند و هریک از شاگردان و یا درمانجویان، فضاهایی را با افراد کلاس و گروه درمان خلق می‌کنند.

در هر جابجایی و در هر وضعیت تازه‌ای که افراد مجتمع کلاس و گروه درمانی با یکدیگر پیدا می‌کنند هنگامه‌ها و مجتمع‌های قبلی در هم شکسته و مجتمع‌ها و هنگامه‌های تازه‌ای ساخته می‌شود.

در واقع درمانگر و درمانجو در نشست گروهی، شاگرد و معلم در کلاس، در هنگامه‌های رویارویی نه تنها مجتمع و یا هنگامه تازه‌ای را می‌آفرینند بلکه یکدیگر را خلق می‌کنند، آفریده می‌شوند و می‌آفرینند، و هریک به مجتمعی روان فضا و پویا تبدیل می‌گردند و از باهمی و درهمی آنها است که مجتمع‌های بزرگتر آموزشی و درمانگاهی آفریده، گسترده و ژرف می‌گردد.

تلاش‌هایی^۱ که میان معلم و شاگردان کلاس و یا درمانگر و درمانجو پیدا می‌شوند هریک آفریده تازه‌ای هستند: هر نگاه، هر حرکت، هر کلمه، هر جابجایی، هنگامه‌ای و مجتمعی است که کل تلاش‌های مجتمع‌های درون و بیرون کلاس یا درمانگاه را در بردارد؛ و از باهمی تلاش‌ها است که نقش و مقام معلمی و شاگردی، درمانگری و درمانجویی ساخته می‌شود. به عبارت دیگر خلق می‌گردد.

آفریده‌ها و تلاش‌های فضاهای درون و بیرون

فضاهای بالینی از درون و بیرون واجد لایه‌هایی است. این لایه‌های فرضی و قرار دادی را برای سهولت درک آنها پیش نهاد می‌کنیم. لایه‌ها در فضاهای حال، نزدیک و دور قابل تصور هستند:

لایه‌های روان فضایی برونی و درونی «حال»، «جلوه‌گاه آگاهی»، است و تلاش‌های احساسی، ادراکی و حرکتی را می‌سازند. لایه‌های روان فضایی برونی و درونی «نزدیک»، «جلوه‌گاه نیمه آگاهی» است. و تلاش‌ها و آفریده‌های تخیلی، ارزشی و هیجانی را در بردارد. لایه‌های روان فضایی برونی و درونی «دور» جلوه‌گاه ناآگاهی است. آفریده‌ها و تلاش‌های امیال تعارضات و اوهام را دارند.

^۱ در نظریه مجتمع‌های روان فضای پویا اصطلاح «تلاش» (Activite) را به جای اصطلاحی مانند فرآیند و جریان Processus بکار می‌بریم. در صفحات بعد این اصطلاح را نشانه‌یابی کرده‌ایم.

نمودار (۱) لایه‌ها، آفریده‌ها و تلاش‌ها
و جلوه‌گاه‌های مجتمع‌های درون و برون

جلوه‌گاه‌ها	آفریده‌ها و تلاش‌ها	لایه‌های روان‌فضایی
آگاهی	احساس‌ها - حرکات - ادراک‌ها	حال
نیمه‌آگاهی	تخیلات - ارزش‌ها - هیجان‌ها	نزدیک
ناآگاهی	تعارض‌ها - امیال - اوهام	دور

آنچه در نمودار (۱) مشاهده می‌کنید طرح فرضی یک مجتمع روان‌فضایی است. لایه‌های روان‌فضایی حال، نزدیک و دور بین فضا‌های درونی و برونی هستند. به عبارت دیگر از زمان و مکان حال از یک سو می‌توانیم به فضا‌های درونی و گذشته‌های نزدیک و دور خود توجه کنیم و از سوی دیگر به فضا‌های بیرونی در فاصله‌های نزدیک و دور از جایگاهی که در آن قرار داریم نظر داشته باشیم. همه آنچه در این لایه‌ها می‌گذرد، گذشته و احتمال گذشتن دارند یکجا در هر لحظه فراهم شدنی هستند:

در اینگونه مجتمع‌ها لایه‌های حال، نزدیک و دور یکباره ظاهر می‌شوند و ظهور آنها در بروز با هم تلاش‌ها و آفریده‌های آگاهانه، نیمه آگاهانه و ناآگاهانه است. به عبارت دیگر در هر هنگامه هر نگاه و یا هر کلمه‌ای که میان فضا رد و بدل می‌شود دورترین امیال با نزدیکترین تخیلات در احساس‌ها و حرکات و آواها در هم آمیخته است. آن «نگاه» یا «کلمه» یکباره گسترده و ژرف می‌گردد، در تمام مجتمع‌ظنین می‌اندازد و مجتمع تازه‌ای را می‌آفریند و این مجتمع تازه «نگاه» یا «کلمه» لایه‌های حال، دور و نزدیک را در بر دارد:

«فریاد گریه» یک کودک در خانه و یا سلام یک تازه وارد در جمع دوستان، خروج یا ورود یک مراجع را در گروه درمانی در نظر بگیرید. هنگامه‌هایی که از «سلام» از «صدای گریه» و یا از «خروج و ورود تازه وارد» برپا می‌شود، کل مجتمع را دستخوش هیجان‌ها، اوهام و احساس‌هایی می‌سازد که آفریده شده از باهمی و درهمی تلاش‌های آگاهانه، نیمه آگاهانه و ناآگاهانه کسانی است که مجتمع خانواده، جمع دوستان و مجتمع روان‌فضای گروه درمانی را ساخته‌اند.

اگر معلمی به دفتر مدرسه، شاگردی به میدان ورزشی و درمانگری به نشست درمانگران وارد شود، در آنجا، با هریک از اشیاء و افرادی که روبرو می‌شود فضاها و هنگامه‌هایی بوجود می‌آورد: باز آفریده می‌شوند و بازآفرینی می‌کنند، هریک از ما در رابطه با افراد خانواده‌ای که داریم فضاها و هنگامه‌هایی را می‌سازیم و معنی و جهت تازه‌ای پیدا می‌کنیم، در هنگامه‌های همسری شوهر یا زن هستیم، در هنگامه‌های فرزندان پدر یا مادر می‌شویم در هنگامه‌های پدری و مادری پسر یا دختریم. به همین ترتیب دایی، عمه، خاله و یا عمو ... می‌گردیم. در فضاهای بالینی با اشیاء اطرافمان، با میزها یا صندلی‌ها، اتاق‌ها و کلاس‌ها ارزشی و وظیفه‌ای دیگر پیدا می‌کنند مثلاً یک کلاس بر حسب اینکه دانش‌آموزان چه سال تحصیلی در آن بروند، کلاس اول یا کلاس پنجم می‌شود. یک اتاق بر حسب اینکه جای پزشک، مدیر یا معلمین در آن باشد، کلاس معلم، مطب دکتر، دفتر مدیر و یا اتاق معلمین می‌شود. فضاهای تازه آفریده، تلاش‌ها، معنی‌ها و جهت‌های متفاوتی را در بردارند.

موردها

برای روشنگری مفاهیمی که بکار می‌بریم نخست موردی را مثال می‌زنیم، آنگاه برداشت‌ها و ره‌آوردها را پیشنهاد می‌کنیم و در برگ‌های پیوست موردهای بیشتری را شاهد می‌آوریم.

مورد ۱

مرد جوان ۳۵ ساله فرزند اول خانواده ۶ نفری است دو برادر و یک خواهر دارد همه آنها تحصیلات دانشگاهی دارند. او با خواست خود، آزادانه، آگاهانه و محرمانه وقت گرفته است. نخستین تماس تلفنی را با درمانگر داشته است. وقتی به دفتر پژوهش‌های بالینی مراجعه کرد درمانگر از او به تنهایی استقبال می‌کند.

نخستین نشست، شرح حال گیری است، چند هنگامه از آن نقل می‌کنیم:

۱- منظور از مراجعه ۲- پدر ۳- مادر ۴- روابط خانوادگی

هنگامه نخست: منظور از مراجعه

درمانگر: برای آمدن به اینجا راحت بودید، آسان پیدا کردید؟
مراجع: بله، قبلاً آدرس گرفته بودم.

د: قبل از اینکه بفهمانید برای چه آمده‌اید یادآوری می‌کنم که هر چه در اینجا می‌گذرد محرمانه است، جز به خود مراجع به کس دیگری داده نخواهد شد، این خود اوست که می‌تواند به دیگران بگوید یا نگوید. بنابراین تا جایی که می‌توانیم با جزئیات منظور از مراجعه خود را می‌گوئیم.

م: ناراحتی وسواس دارم.

د: منظورتان چیست؟

م: شک و تردید در کارها، نا امید بودن.

د: ناامید بودن، منظورتان چیست؟

م: امیدی به آینده ندارم، همه چیز را بوج فرض می‌کنم. زود عصبانی می‌شوم.

د: منظورتان چیست که زود عصبانی می‌شوید؟

م: پدرم، مادرم در خانه وقتی حرف می‌زنم توجه نمی‌کنند.

هنگامه دوم: پدر

د: درباره پدرتان، از کودکی تا به حال هرچه یادتان می‌آید بگویید.

م: پدرم زیاد اجتماعی نیست، اهل صحبت با مردم نیست مثل من مشکلات روحی دارد.

د: مشکلات روحی منظورتان چیست؟

م: پدرم حالت وسواس دارد یک حرف را چند بار تکرار می‌کند، زود هیجان زده می‌شود.

دلم می‌خواست با مادرم خوب بودند جرو بحث نمی‌کردند، یادم می‌آید یک موقع با مادرم

صحبت می‌کردیم پدرم آنجا بود یک دفعه میان حرف ما پرید و گفت: «بلندترین بانگ‌ها بانگ

خران است» در حالی که ما یواش صحبت می‌کردیم.

هنگامه سوم: مادر

د: درباره مادرتان، از کودکی تا به حال هر چه یادتان می‌آید بگویید.

م: مادرم، از نظر من نرمال است، طبیعی است اما زود عصبانی می‌شود.

د: منظورتان چیست زود عصبانی می‌شود؟

م: به خاطر کوچکترین چیزی از کوره در می‌رود تنها اخلاق بدش همین است، وقتی

می‌خواهم یک چیز را مطرح کنم اول می‌گویم مادر عصبانی نشود ...

هنگامه چهارم: روابط خانواده

د: درباره روابط در مجتمع خانواده بگویند.

م: در خانه خیلی کم دور هم جمع می‌شویم مخصوصاً وقتی پدرم در خانه باشد سعی می‌کنم در خانه‌ای که او هست نروم چون حرف می‌زند و اگر من هم حرفی بزنم جواب نمی‌دهد، بیشتر وقت‌ها توی خودش است. اگر حرف بزند آنقدر با هیجان حرف می‌زند و از این شاخ به آن شاخ می‌پرد که من دچار هیجان عجیبی می‌شوم سعی می‌کنم یا چیزی بگویم که او حرفش را قطع کند و یا از حرفهایش ایراد می‌گیرم یا بلند می‌شوم می‌روم، در اینجور مواقع اصلاً اعصابم دست خودم نیست ... وقتی مشکلی پیش می‌آید اصلاً احساس همدردی نمی‌کنم.

وقتی من و پدرم تنها هستیم و درباره موضوعی بحث می‌کنیم مادرم فوری می‌آید بیس حرف ما و موضوع را عوض می‌کند انگار می‌داند که مساله به جری و بحث کشیده می‌شود. در خانه احساس نفرت دارم از اینکه نمی‌توانم حرفم را بیان کنم، و احساسی که دارم نگویم. برادرم وقتی عصبانی می‌شود کنترلش را از دست می‌دهد، فحش می‌دهد، کنترل خودش را از دست می‌دهد. وقتی مادرم برادر کوچکم را می‌زند من واسطه می‌شوم برادرم از شدت عصبانیت کتابش را پاره می‌کند!

یادآوری

حالت‌ها و رفتارهایی را که هر هنگامه دارد در گزارشنامه‌هایی که طرح آنها را در صفحات بعد آورده‌ایم دسته بندی می‌کنیم. برای نمونه چهار هنگامه یاد شده را در گزارشنامه آورده‌ایم:

خلاقیت در شرح حال پژوهشی، تشخیصی و درمانی

در جریان شرح حال‌گیری (چهار هنگامه یاد شده) قواعد و اصولی را رعایت کردیم که کل شرح حال را شرح حالی پژوهشی، تشخیصی و درمانی می‌سازد. مهمترین آنها که ساخت و خلق پرسش‌ها و پاسخ‌ها را به عهده داشتند عبارتند از:

۱ - پرسش‌های درمانگر کلی و مبهم طرح شده است تا به مورد امکان دهد آزادانه پاسخ‌های جزئی و روش را تداعی کند.

۲ - به او گفته می‌شود: (در برابر هر پرسش آزادانه نخستین تصورات و کلماتی را که به ذهن می‌آورد بیان کند، آزادانه تداعی کند (تداعی آزاد).

گزارشنامه شماره ۱

مجتمع: خانواده

هنگامه‌ها: رویارویی با پدر و مادر

تاریخ

نام و نام خانوادگی	سن	تحصیلات	شغل	گزارشگر:
حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در به خود نسبت می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد	
برون‌فکنی	برون‌نمایی	درون‌فکنی	درون‌نمایی	
پوچ‌گرایی بی‌توجهی به حرف دیگران اجتماعی نبودن هیجان زده شدن زود عصبانی شدن از کوره در رفتن اهل صحبت نبودن وسواس داشتن	تکرار کردن حرف جر و بحث کردن در حرف دیگران پریدن دوری کردن از دیگران نفرت داشتن از دیگری واسطه شدن ایراد گرفتن	وسواس ناامیدی زود عصبانی شدن شک و تردید کردن	نمی‌توانم حرفم را بزخم میان حرف دیگران بلند شدن نمی‌تواند احساسش را بگوید	
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند. (برون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند. (برون نموده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند. (درون فکنده می‌شود)	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند. (درون نموده می‌شود)	

۳- پرسش‌ها متوجه کودکی تا بزرگسالی است (تکوینی است) به او گفته می‌شود: ((هر چه را از کودکی در آن باره به یاد می‌آورد بگوید)).

۴- هر سخن یا کلمه‌ای که مبهم، کلی و یا پر هیجان ... باشد به او گفته می‌شود: ((منظورتان چیست؟)) بدینوسیله به مراجع امکان داده می‌شود تا از آگاهی‌های شهودی و کلی به آگاهی ارزشی و ادراکی حرکت کند و این کار را هر چند بار که لازم باشد تا وقتی که در سخن او کلمات کلی و مبهم و هیجان‌آلود یافت می‌شود تکرار می‌کنیم و می‌خواهیم تا منظورش را از آن کلمات بازگو کند تا جایی که بتواند برای هر کلمه کلی، مبهم، هیجان‌آلود، موارد عینی، محسوس و بدون هیجان بیابد.

خلق گزارشنامه:

تلاش‌هایی که برای «خلق» هریک از گزارشنامه‌ها کردیم یکسان و همزمان تلاش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی است. نخست نظرها و مفاهیمی را که در گزارشنامه‌ها به کار رفته‌اند تشریح می‌نماییم. آنگاه به تلاش‌هایی که پژوهش، تشخیص و درمان را یکسان و همزمان می‌سازند اشاره می‌کنیم.

شماره	گزارشنامه	مجموع: خانواده
تاریخ	شغل	هنگامه‌ها:
نام و نام خانوادگی	تحصیلات	گزارشگر:
حالات و رفتارهایی که به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد	حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد
برون فکنی	برون‌نمایی	درون نمایی
حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند	حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند (درون نموده می‌شود)
(برون فکنده می‌شود)	(برون نموده می‌شود)	(درون فکنده می‌شود)

در خلق گزارشنامه موقعیت‌های هر فرد را در هنگامه‌های مختلفی که با افراد مجتمع دارد در چهار وضعیت در نظر گرفته‌ایم:

۱ - وضعیت نخست و دوم:

حالات و رفتارهایی را که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت و یا در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند. در این حال فرد به منزله تماشاگر نمایش است: آنچه در صحنه نمایش می‌گذرد در او درون‌ریزی می‌شود و هر چه حالات و رفتارهای نمایشی دیگران در رابطه با او و از او باشد اثرات آنها عمیق‌تر و لایه‌های بیشتری از مجتمع‌های درونی و برونی را در بر می‌گیرد.

الف - آفریده‌های بیرون‌کنانه: حالات و رفتارهایی است که فرد به افراد دیگر و به اشیاء نسبت می‌دهد، مثلاً «این آدم دروغ‌گوست، حسود است، لجباز است...» «اینها نمونه حالات و رفتارهایی هستند که افراد مجتمع به یکدیگر نسبت می‌دهند».

ب - آفریده‌های بیرون‌نمایی: حالت و رفتارهایی است که فرد در رابطه با افراد و اشیاء نشان می‌دهد: «کک می‌زد، بلند می‌شود و احترام می‌گذارد، ناسزا می‌گوید...» «اینها نمونه حالات و رفتارهایی هستند که افراد مجتمع در رابطه با یکدیگر نشان می‌دهند».

۲ - وضعیت سوم و چهارم:

حالات و رفتارهایی که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند: «تو آدم لجباز، تنبل، بی‌ادب، عصبانی هستی...» و یا در رابطه با او نشان می‌دهند: «ککت می‌زنیم، از خانه بیرون می‌کنیم، غذا به تو نمی‌دهیم...» در این حال فرد وضعیت تاثیر پذیری و تحت نفوذ و سلطه بودن را دارد. هر چه تاثیرات شدیدتر و بار هیجانی بیشتری داشته باشد اثرات آنها عمیق‌تر و لایه‌های بیشتری از مجتمع‌های درون و برون را در بر می‌گیرد. آنچه درون‌ریزی می‌شود با دو دسته از آفریده‌ها بروز می‌کند.

الف - آفریده‌های درون‌نکنانه: حالات و رفتارهایی است که به خود نسبت می‌دهد، مثلاً: «می‌ترسم، گیجم، هوشم خوب کار نمی‌کند، نمی‌توانم کار کنم و یا درس بخوانم...» «اینها نمونه حالات و رفتارهایی است که افراد مجتمع به او نسبت می‌دهند».

ب - آفریده‌های درون‌نمایی: حالات و رفتارهایی که در خود نشان می‌دهد؛ مثلاً: «گریه می‌کند، می‌خندد، دستها را به هم می‌فشارد، آه می‌کشد، خود را می‌زند...» «اینها نمونه حالات و رفتارهایی است که افراد مجتمع در رابطه با او نشان می‌دهند».

مجتمع‌های برون و درونی

هر گزارشنامه مجتمع روان فضایی و معرف هنگامه‌های درونی و بیرونی است که در آن قید می‌شود مجتمع‌ها درون‌ی آفریده‌های فضاهای دور و نزدیک (لایه‌های نیمه آگاهی و ناآگاهی)، مراجع و درمانگر است و مجتمع‌های بیرونی آفریده‌هایی است که لایه‌های حال و نزدیک و دور را از جایگاهی که در آن قرار دارند در بر می‌گیرند. مثلاً اگر فضای بالینی رویارویی شاگرد و معلم در کلاس درس است، فضای کلاس و لایه روان فضایی حال (آگاهی)، فضای مدرسه و کوچه آن لایه روان فضایی نزدیک (نیمه آگاهی) و فضای خیابان و نقاط دیگر محله، لایه روان فضایی دور (ناآگاهی) را شامل می‌شود. این لایه‌ها هیچگاه جدا نیستند همیشه درهم، باهم و برهم می‌شوند و هنگامه‌های مختلف را می‌آفرینند. در هر هنگامه، در هر کلمه، در هر نگاه و در هر حرکت، در هر صدا... با هم قابل مشاهده، دریافت و برداشتند. تنها وضعیت ما است که یک سطح یا لایه را برجستگی بیشتر می‌دهد.

آفریده‌های یکسان و همزمان

پژوهش، تشخیص و درمان

آفریده‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی یکسانی و همزمانی دارند: منشور سه بعدی را می‌مانند که از زاویه‌ها و سطح‌های مختلف دیده می‌شود: برای خلق هر یک از هنگامه‌ها و گزارشنامه‌هایی که یاد کردیم نخست «مراجع» را خلق می‌کنیم. خلق مراجع بیرون و جدا از خلق هنگامه‌ها و گزارشنامه‌هایی که داریم نیست: هر گزارشنامه مخلوق هنگامه‌هایی است که در رابطه با مراجع نوشته می‌شود و بوجود می‌آید و محتوی گزارشنامه‌ها و بیانگر هنگامه‌ها و مجتمع‌های درونی و بیرونی مراجع در زمان‌های دور و نزدیک و حال است. توصیف، تعریف، تحلیل و تبیین حالات و رفتار «مراجع» با گزارشنامه خلق و امکان پذیر می‌شود. مثلاً اگر از ابعاد سه گانه منشور را نگاه کنیم در سه وضعیت سه جلوه از این مخلوق را می‌بینیم. بدین ترتیب ۹ وضعیت آفریده می‌شود که در هیچکدام نمی‌توانیم آفریده‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی را از یکدیگر جدا ببینیم.

نمودار (۲) وضعیت‌های فرضی منشور پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمان‌ها



هریک از این منشورها را می‌توان از بی‌نهایت زاویه دید: اگر آنها را لحظه به لحظه بچرخانیم و یا ما وضعیت قرار گرفتن خودمان را با هر زاویه و سطح منشور لحظه به لحظه تغییر دهیم جلوه‌های تازه‌تری از باهمی و یکسانی درمان، تشخیص و پژوهش نمایان می‌شود. توجه داریم که منشورها در هر جایگاهی که قرار گیرند و در هر وضعیتی که باشند مجموعه اشیاء و افرادی را که در اطراف قرار دارند از سطح و زاویه‌ای که نسبت به آنها تشکیل می‌دهند نشان می‌دهند. تصویرهای آنها را در همان وضعیتی که هستند در خود می‌برند و با تصاویری که از زوایا و سطوح دیگر می‌رسد درهم می‌آمیزند، آمیخته‌های تازه‌ای که از باهمی آنها خلق می‌شود مجتمع‌های روان فضایی تازه‌ای را می‌سازند: هر ناظر از زاویه و وضعیت‌هایی که با آنها دارد، هنگامه‌ها و مجتمع‌های روان فضایی ویژه‌ای را بوجود می‌آورد و در آنها به تلاش می‌پردازد. این ویژگی از پویایی یا توانایی خلاقیت در فضاهای بالینی است:

فضاهای پویا و خلاق بالینی تک بعدی، دو بعدی، سه بعدی و یا چهار بعدی نیستند. آشیانه‌ها و جایگاه‌های بالینی که ما در آنها بکار می‌پردازیم آشیانه و جایگاهی پویا و با ابعاد بی‌نهایت است. (منشورهایی با ابعاد و سطوح بی‌نهایت) ابعادی که هر آن خلق می‌شوند، درهم می‌شکنند و زاویه و بعد تازه‌ای پیدا می‌کنند و هنگامه‌های روان فضایی را می‌آفرینند. در این فضاها، در حال آفریدن، آفریده شده، در هم ریختن، در هم شکستن، با هم شدن، بی هم شدن هستیم. هر رویارویی مجتمع روان فضایی پویا یک اکوسیستم^۱ است.

اکوسیستم‌ها ویژگی‌های خود را دارند از آن جمله است: بی‌ثباتی، انقباض، انبساط، سلامت بیماری، نرمش، شکل‌پذیری، انفجار و جهش، گستره و ژرفایی ...

^۱ Eco - Systeme

تلاش‌های خلاق

هر هنگامه واحد کوچکی از فضاهای بالینی است که از رویارویی دو انسان یا یک انسان با یک چیز خلق می‌شود. گزارشنامه‌ها بیانگر واحدهایی هستند که جزء به جزء و هنگامه به هنگامه مجتمع‌های درونی و برونی را نشان می‌دهند. با نگارش هر گزارشنامه در واقع آن را خلق می‌کنیم، همراه با خلق هنگامه‌ها و گزارشنامه‌ها («تلاش») هایی صورت می‌گیرد که همزمان خالق و مخلوق هنگامه‌ها و گزارشنامه‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی هستند.

تلاش: جوشش^۱ و جهش^۲

هر تلاش از باهمی و درهمی تعارضات، اوهام ... سرچشمه می‌گیرد و از فراز و نشیب تخیلات، ارزش‌ها می‌گذرد یا بارهای هیجانی که پیدا می‌کند در قالب حالات، رفتارها، گفتارها و حرکات نمایان می‌شود.

در فضاهای بالینی تلاش‌ها به صورت تلاش یا جریان ظاهر نمی‌شوند بلکه ظهور آنها حالت انفجاری، جهشی، گسترشی، ژرفایابی ... دارد. به عبارت دیگر هر تلاش یک «جوشش» است و با هر جوشش یک یا چند هنگامه بر پا می‌شود. و در هر هنگامه تمام مجتمع درونی و برونی درمانگر و درمانجو شرکت دارد. مثلاً نخستین تلاش در هنگامه رویا رویی را در مورد (۱) بازنویسی می‌کنیم:

د - برای چه آمده‌اید؟

م - ناراحتی وسواس دارم.

د - منظورتان چیست؟

م - شک و تردید در کارها، ناامید بودن.

د - ناامید بودن، منظورتان چیست؟

م - امیدوی به آینده ندارم، همه چیز را پوچ فرض می‌کنم، زود عصبانی می‌شوم.

د - زود عصبانی می‌شوید.

م - پدرم، مادرم، در خانه وقتی حرف می‌زنم توجه نمی‌کنند.

هریک از این گفته‌ها میان درمانگر (د) و مراجع (م) یک تلاش است و تمام آنها هنگامه‌ای را در نخستین نشست در مجتمع شرح حال گیری نشان می‌دهد. وقتی به تلاش‌ها توجه

^۱ Bouillonnement

^۲ Elan

می‌کنیم، جوشش‌ها و جهش‌هایی را می‌یابیم. و وقتی آنها را به سوال می‌گذاریم از درون آنها جوشش‌ها و جهش‌های دیگری می‌زند: وسواس، ناامید بودن، پوچ فرض کردن، زود عصبانی شدن، بی توجهی پدر و مادر ... نمود این جوشش‌ها و جهش‌ها هستند.

((تلاش)) و ((جوشش)) با تعریفی که از آنها داریم موتورهای راه‌اندازی، تحرک و خلق هنگامه‌ها هستند. به عبارتی دیگر هر یک از آنها واحد کوچکتری از هنگامه‌هایی هستند که مجتمع را می‌سازند.

هر جوشش یا جهش جلوه‌ای از ((تلاش)) و هر تلاش نمودی از هنگامه و هر هنگامه واحدی از مجتمع است. برای آنکه اینها خلق شوند و یکدیگر را خلق کنند و در آفریده شدن و آفریدن جهت و معنی پیدا کنند، ((جوشش آورها)) و ((جهش دهنده)) هایی لازم است تا سوخت و ساز موتورها را تامین کنند و هنگامه‌های خلق شده را ((خود جوش سازند)) از آن جمله‌اند: خواستن، آزاد بودن، آگاه بودن و محرمانه بودن. این جوش آورها هستند که یکسانی تلاش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی را تضمین می‌کنند.

خواستن

((مراجع)) خود یک مجتمع روان فضای پویا است: درخواست می‌کند، مراجعه کند، با هر خواستن یک ((فرد عادی)) به ((مراجع)) تبدیل می‌شود. خواستن یک ((تلاش)) است، تلاشی که از باهمی میل‌ها، هیجانها، هدف‌ها ... خلق می‌شود. هر خواست با طرح‌های عملیاتی (استراتژی) خلق شده در امکانات زمانی و مکانی تحقق می‌یابد: ارتباط تلفنی، ملاقات حضوری، درخواست کتبی. هر یک طرح عملیاتی استراتژی ویژه‌ای است که از طرف مراجع پیش گرفته می‌شود. برای آنکه ((خواستن)) ارزش پژوهشی، تشخیصی و درمانی داشته باشد باید با ((جوش آورهای)) آزادی، آگاهی و محرمانه بودن همراهی، همزمانی و یکسانی داشته باشد.

آزاد بودن

آزادی، تحقق خواست‌ها و هدف‌ها در کنش‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی است. به عبارت دیگر آزادی با برآورده شدن خواست‌ها، هدف‌ها در جریان پژوهش، تشخیص و درمان تحقق می‌یابد و تجلی می‌کند: جوشش‌های آزادانه، خواست‌ها و هدف‌ها را خلق می‌کند و به

آنها ژرفا، بلندا، گستردگی، انبساط و انقباض می‌دهد ... در هر جوش خود خواسته و هدفمند آزادی تجلی می‌کند، آفریده می‌شود و می‌آفریند.

آگاه بودن

آگاهی تحقق آزادی است. آگاهی به خواست‌ها معنی می‌بخشد و آنها را از یک هنگامه به هنگامه دیگر هدایت می‌کند. آگاه شدن کنش‌های آموزشی، پژوهشی و درمانی را جهت‌دار می‌سازد و مخلوقات تازه‌ای را می‌آفریند. آگاهی جلای آزادی و خواست است هر دو را همزمان از تاریکی و ابهام تعارضات و اوهام (ناآگاهی) در می‌آورد و به فضای نیمه تاریک (نیمه آگاهی) ارزش‌ها و تخیلات می‌کشانند و از آنجا به روشنی دریافت‌های حسی و حرکتی می‌رسانند. آگاهی با درهم آمیزه‌ای کلی و مبهم در گذشته‌های دور می‌جوشد و با جوشش‌های پیاپی و به صورتی جزئی و روشن به فضاهای نزدیک و حال گسترده و سیال می‌شود بنا هر «جوشش و جهش» آگاهی آفریده می‌شود و می‌آفریند.

محرمانه بودن

محرمانه بودن، شرط تأمین آزادی، گسترش آگاهی و جوشش خواست‌ها است: در فضاهای محرمانه خواست‌ها پر جوش‌تر، آزادتر و آگاهانه‌تر خلق می‌شوند. خلاقیت‌ها فضاهای امن می‌خواهند هر نامحرمی عامل مزاحم، کندکننده، محدود سازنده آزادی، آگاهی و خواست است. فضای تیره‌ای که وجود دیگری (نامحرم) در فضاهای بالینی می‌سازد، جوشش‌ها و جهش‌های خلاق را از تلاش باز می‌دارد. مراجع در انجماد و تیرگی فرو می‌رود، از تلاش‌های آزادانه و آگاهانه باز می‌ماند.

پویا بودن

پویایی در فضاهای بالینی همان خلاقیت است در منشور چند بعدی پژوهش‌ها، تشخیص‌ها و درمان‌ها. تغییر وضعیت‌های منشور و یکسان، درهم و با هم دیدن آنها در ابعاد مختلف نمودی از پویایی و جلوه‌ای از خلاقیت است. آنچه درباره تلاش‌ها، جوشش‌ها و جهش‌ها گفتیم جلوه‌هایی از پویایی فضاهای بالینی است.

جوش آوردها و جهش دهنده‌هایی چون خواستن، آزاد بودن، آگاه‌بودن جلوه‌ها و نمودهای دیگری از پویایی هستند. محرمانه بودن همزمانی و یکسانی تحقق آنها را تضمین می‌کند.

نتیجه‌گیری:

مقاله استاد دکتر شریعتمداری در یکسانی تفکر، تفکر انتقادی و تفکر خلاق بویژه در نظریه جان دویی یکی از بنیادی‌ترین مباحث مشترک در روانشناسی، فلسفه و علوم تربیتی را مطرح کرده است. سال‌ها است که چنین دیدگاهی را در فضاهای بالینی پژوهشی، تشخیصی و درمان ارائه کرده‌ایم و فصلی از کتاب دانش و هنر روانشناسی بالینی را به آن اختصاص داده‌ایم. اکنون در این مقاله نشان داده‌ایم که تلاش پژوهشی، تلاش تشخیصی و تلاش درمانی در فضاهای بالینی همسانی و همزمانی دارند و این نظریه را در مفهوم خلاقیت در فضاهای بالینی بازبینی کرده‌ایم: فضاهای بالینی از رویارویی دو انسان و یا یک انسان با یک چیز خلق می‌شوند. تلاش‌های خلاق در فضاهای بالینی تلاش‌هایی جوششی و جهشی هستند که خواست‌ها، آزادی‌ها، آگاهی‌ها را خلق می‌کنند و خود در دامن آفریده‌های خود بازآفریده می‌شوند. آفریدن و بازآفرینی به فضاهای بالینی گستردگی، عمق می‌دهد و آنها را منبسط و منقبض می‌سازد و ابعاد بی‌شمار می‌بخشد و موجب پویایی می‌شود. مخلوقات فضای بالینی در هر صورتی که باشند پویا هستند: هر مجتمع روان فضای بالینی خلاق است و نخستین مخلوق او خود اوست: هر فضا همزمان با آفرینش خود تمام آنچه را که در اوست و با اوست می‌آفریند. آفریننده‌ها یکسانی و همانی دارند.

اندیشه‌هایی مانند اندیشه جان دویی وقتی در فضاهای بالینی بکار برده شوند قالب مرحله به مرحله بودن و پوسته منطقی بودن خود را از دست می‌دهند و هر مرحله مجتمع کوچکی است که با یاری جوش آورها و جهش‌دهنده‌های خواستن، آزاد بودن، آگاه بودن، پویا و خلاق می‌شود و جلوه‌ها و داده‌های پژوهشی، تشخیصی و درمانی ناب از خود نشان می‌دهد.